

## جامه

شیدایی

ندارند و فقط بازوبندی بسته‌اند بعضی از فضلا از این تصاویر چنین نتیجه گرفته‌اند که در آن عصر لباس معمول بوده است لکن محققین گویند کشیدن نقش این زنان برهنه بعنوان درخواست و دعای برکت و افزایش نسل بوده از آن بی وجود یا عدم لباس نمیتوان برد. پس آثار بسیار قدیمی که از اسان مانده است هیچیک ما را از هیئت انسانی در آغاز آفرینش او آگاه نمیکند ناچاریم که حدساً بقیاس قباایل بدوی کنونی احوال بشر نخستین را تحقیق کنیم.

۱- حال باز گردیم بفرس اول که گویند اسان برای مقارعت با عوامل طبیعی لباس پوشیده است اگر این امر صحیح باشد باید وحشیانی که در مناطق سرد نیم کره جنوبی مسکن دارند مثل مردمی که در همان عرض جغرافیایی در نیم کره شمالی هستند برای خود پوشش تریب داده باشند در صورتیکه حال بر این متوال نیست وحشیان استرالیا و فوزی با وجود برودت طاقت فرسائی که در اقلیم خود می‌بینند بکلی برهنه هستند فقط قطعه پوششی بردوش می‌افکنند که از کتف آنها تجاوز نمیکند. پس دفع سرما و گرما بطور کلی موجب لباس بوده است.

۲- فرض دوم آنست که اسان جامه را برای ستر عورت لازم دانسته است. بی شبهه در تمدن ملل غربی میان جامه و پوشیدن عورت ملازمه شدیدی هست لکن تحقیقات بسی از دانشمندان کلیت این فرض را مخدوش میسازد و معلوم میکند که مبداء جامه پوشیدن اسان شرمی نیست که از اظهار آلات تناسلی احساس میگردد است. بک نظر بتمدن‌های اقوام دیگر ثابت می‌نماید که این فکر از آن میان غالبه بوده است در بسی از اقوام امریکای جنوبی و ملائزی برهنگی نام رایج است در بعضی طبقات هم مرد و هم زن عریانند و در برخی مرده تنها با زن تنها از لباس عاری است و این هم منحصر باقوامی نیست که در مناطق بسیار گرم زندگی میکنند بلکه در نقاط سردسیر هم بسی از طوایف بکلی برهنه هستند چنانکه اشاره کردیم گاهی پاره پوشتی بر دوش می‌اندازند مثل ناحیه کریمت بلسین در شمال امریکای کالیفرنیا و استرالیا حتی در مناطق منجمده که مردمش دو پرده خانۀ جامه می‌پوشند چون بديرون منزل می‌روند عادت می‌آیند جاری است که بکلی خود را عور و برهنه میکنند و ابداً از برهنگی شرم ندارند در گرفتارند بعضی از طوائف فقط رسمانی باریک در کمر دارند که از فرط نازکی غالباً دیده نمیشود. بالعکس در بعضی طوائف پاپوئی دیده میشود که عضو خود را در گلوی کدوئی فرو می‌برند تا بیشتر نمایان باشد.

پس شرم از پدیدار شدن عورت علت نام لباس پوشیدن نیست حیا از صفات انسانی است که بر حسب عادت ملل ممکن است باعضاء مختلف بدن تعلق بگیرد مثلاً مردم چین از نشان دادن پانگه دارند و بسی از ملل شرقی از نمودن رخسار حیا میکنند وحشیان برزیل هیچ قیمتی حاضر نیستند که آویز بینی خود را بردارند و زنان آلاسکائی از برداشتن آویز لب خود عار دارند (مقصود از آویز زینتی است شبیه گوشواره که زنان عشا بر بینی یا لبان خود می‌آویزند) بسی از وحشیان عربان اگر ببینند که کسی در حضور جماعت غذا می‌خورد از خجالت آب میشوند.

بشر چرا جامه در بر کرده است؟ دو فرض معقول است یکی آنکه بر حسب تصادف و اتفاق بیوشیدن لباس توجه کرده باشد دیگر اینکه احتیاجی طبیعی او را باین اختراع واداشته باشد. تحقیق در احوال انسانی و اجتماعی اسان فرض اول را دفع میکند زیرا که از سنجش احوال و اطوار عام اسان ثابت شده است که چون عملی با خوبی یا رسمی در میان همه قباایل و امم عموم و شعول بیاید، ناچار در ذات انسانی ریشه عمیقی دارد که تفحص از آن موجب کشف قانونی و تحصیل ناموسی کلی تواند شد مثل نیازمندی اسان بطعام و نکاح و رفیق و مسکن و غیره که همه ناشی از تقاضای طبیعی اوست و میان همه طوائف انسانی مشترک است. و نظیر این است حاجاتی که اسان هنگام مواجه شدن با عوامل طبیعی و مقتضیات اقلیم و محیط پیدا میکنند مثل وسایل گوناگونی که برای دفع سرما و گرما بدست آورده یا رسوم و عاداتی که برای حفظ نظم و بقای نسل و طیب عیش و حسن ذکر پیش گرفته است. کسی نمیتواند این قبیل امور عام را بصدف و اتفاق نسبت بدهد و اگر در علل آنها میل کنجکاری داشته باشد طبعاً باسباب ذاتی و حقیقی منتهی میگردد. لباس هم از اموری است که با جامعه بشری از آغاز همراه بوده هست و مراد از آن اندک پوششی است که بر تن افکنده باشند و این در هر طایفه هست مگر اقوام قبلی چنانکه اشاره خواهیم کرد پس ناچار یکی از صفات بشری موجب آن شده است به بینیم آن صفت کدامست. محققین در این باب چند چیز را معتبر شمرده‌اند.

- ۱- بیم از عوامل طبیعی چون سرما و گرما و باران و باد و غیره.
- ۲- میل بستر عورت از راه شرم یا چیز دیگر.
- ۳- خود نمائی و تفاخر و امشیا.
- ۴- جلب نظر و برانگیختن شهوات.
- ۵- مد و میل بتغییر.

و ما در این مقاله بپیان هر یک از این امور پرداخته کیفیت جامه پوشی اسان را نسبت با آنها می‌سنجیم.

راه راست برای تحقیق در اسباب اصلی هر چیز رسیدگی کردن از آغاز آن چیز است. مثلاً گرما میتواندستیم علماً خبری از وضع بشر در ابتدای آفرینش بدیهیم و جامه داشتن یا نداشتن او را ثابت کنیم کار بسی آسان میباشد لکن متأسفانه از آن روزگار اثری در دست نداریم آثار باستانی بشری نوع آدم پیشتر از دوره پالئولیتیک (دیرینه سنگی) نمیرسد و پیداست که آن عهد با زمان ظهور اسان فاصله بسیاری دارد بدیهی است که در آثار آن ایام اگر جامه دیده نشود دلیل وجود نداشتن آن تواند بود زیرا که پوشش اسان ناچار از مواد بیدوام و فناپذیر ساخته میشود و طول زمان موجب محو و زوال آن میگردد.

زمانی دراز بعد از دوره پالئولیتیک عهدی است که در علم دیرین شناسی آنرا دوره (اورین بسین) میخوانند درین زمان است که نخستین زبور و زینت انسانی از قبیل دندان جانوران (عاج و غیره) و صدف و مهره پیدا میشود و اتفاقاً این دوره مصادف است با زمانی که نقوش انسانی بر دیوار غارهای شتیق رسم و حک شده است. در این نقوش تصویر زنانی دیده میشود که هیچ جامه دیر



کره خاک بوده اند شاهد می‌آوردند نوعی از میمون که شبانه نام دارد بسیار مایل است که چیزی از خود آویخته با تازو تفاخر و غنچ و دلال راه برود و آن زینت را نشان بدهد.

۵ - مد و میل بتغییر وضع. بعضی این خواهش بشری را مبداء لباس دانسته اند ملاحظه جریان مد در تمدن فعلی دنیا ثابت میکند که انسان بر حسب هوای نفس و برای فرار از یکسانی و احتراز از تکرار پیوسته در پی عوض کردن طرز جامعه خویش است و 'مدیست' های اروپا و امریکا هم که از این راه نفی میبرند از این صفت انسان استفاده میکنند. جزو مد مد خود بنتهائی تاریخی دارد و در این جا مجال بیان صعود و نزول آن نیست که تحت چه قوانین اجتماعی این تبدلات صورت می‌گیرد و چند وقت بکیارسیک و طرز لباس ها تکرار می‌گردد ولی این نکته صحیح است که آرزوی تنوع و تغییر وضع، در ریشه آن قرار گرفته است. باری این مطلب اگر برای باقن علت اصلی جامعه پوشیدن انسان مفید باشد برای تعیین علت اصلی جامعه پوشیدن او کافی نیست مگر اینکه بگوئیم میل به تغییر وضع انسان را از برهنگی سیر و نا خوشنود کرده و بدامن لباس متوسل ساخته است.

برای تاریخ لباس و علت ناهم این اختراع کتبخاورهای بسیار شده است و کتابها در این باب نگاشته گشته است لکن هیچیک از فروض جداگانه که گفته شده بنتهائی علت نام نیست و محققین همه این اسباب را از معدنات و اجزاء علت اصلی میدانند که هنوز مجهول و معلول است.

از روی این امثال معلوم شد که علت اصلی جامعه پوشیدن ستر عورت و رفع شرم بوده است.

۳ - بعضی گفته اند که علت تلبس انسان پوشانیدن اعضاء تناسلی بوده لکن بهماز روی حیا بلکه برای دفع چشم زخم در نهفتن آن اسرار داشته اند در میان بعضی قبایل تنها پوششی که رواج دارد پاره های پوست یا استخوان یا لینی است که طلسم و دعای چشم‌زخم بر آن ها نوشته شده است اما اینجاست اختتامی با اعضاء تناسلی ندارد پس از وحشیان گردن یا بینی یا اندام دیگر خود را با این طلسمات و تعویذات می پوشانند.

۴ - خود نمائی و تفاخر و امتیاز. بعضی این امور را مبداء جامعه پوشیدن قرار داده اند که افراد شاخص و برجسته قوم بنشانه ریاست یا طبابت یا کلمات خود را در لباس پوشیده و داشتن آنرا دلیل امتیاز خود از برهنگان قوم قرار داده اند. ممکن است اختلاف البسه با پیدا شدن جامعه ها و کلاهای عجیب و غریب را از این راه بدانیم لکن ظهور اصل تلبس را نمیتوان باین سادگی تعلیل کرد.

از قرون این نظریه قولی است که لباس پوشیدن را منسوب بحس ترزین و جلب نظر و برانگیختن حب و شهوت قرار میدهد صاحبان این رأی باطلوار و حالات وحشیان فیزی مثل میزند که در عین برهنگی عاشق زیور و زینت هستند و برای تأبید این قرض احوال حیوانات را که پیشقدمان بشر در این

